

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

در بارگاه نور

ترجمه و شرح مناجات خمس عشرة

مناجات اول و دوم

«جلد اول»

تأليف: نورالله عليدوست خراسانی

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
کلیات.....	۱۵
۱. هدف آفرینش انسان.....	۱۵
۲. مفهوم عبادت.....	۲۲
۳. رابطه دعا و عبادت.....	۲۳
۴. دعا سیره انبیاء.....	۳۰
۵. چند نکته مهم درباره دعا.....	۳۴
۶. آداب دعا.....	۳۷
۷. شرایط دعا.....	۵۰
۸. امام سجاده علیه السلام و دعا.....	۸۱
۹. مناجات خمس عشره.....	۸۳

مناجات اول: مناجات توبه‌کنندگان

بخش اول.....	۸۷
۱-۱. واژه‌های مرتبط با گناه در قرآن.....	۸۸
۱-۲. آثار سوء گناه.....	۹۶
۱-۲-۱. لباس ذلت و خواری.....	۹۷
۲-۳. مرگ دل و دور شدن از خدا (در بخش دوم به این فراز اشاره شده است).....	۱۱۰
۱-۲-۴. محرومیت از نماز شب.....	۱۱۰

- ۱۱۴..... ۱-۲-۵. عدم استجابت دعا
- ۱۱۵..... ۱-۲-۶. سلب نعمت
- ۱۱۷..... ۱-۲-۷. کم شدن روزی
- ۱۲۰..... ۱-۲-۸. آثار دیگر
- ۱۲۳..... بخش دوم
- ۱۲۳..... ۲-۱. پذیرش توبه
- ۱۲۵..... ۲-۱-۱. آیات توبه نسبت به انسان
- ۱۲۶..... ۲-۱-۲. آیات توبه نسبت به خدا
- ۱۲۷..... ۲-۲. معنی توبه
- ۱۳۲..... ۲-۳. دعوت به توبه
- ۱۳۷..... ۲-۴. چند نکته درباره توبه
- ۱۴۷..... ۲-۵. موعظه و اندرز
- ۱۴۸..... ۲-۵-۱. تفاوت موعظه و حکمت
- ۱۴۹..... ۲-۵-۲. موعظه بودن قرآن
- ۱۵۲..... ۲-۵-۳. مواعظ پیامبر و خاندانش
- ۱۶۱..... بخش سوم
- ۱۶۵..... بخش چهارم
- ۱۶۶..... ۴-۱. گناهان صغیره و کبیره
- ۱۷۱..... ۴-۲. تمایز میان عفو و صفح
- ۱۷۸..... ۴-۳. تکیه بر عفو الهی در روز قیامت
- ۱۹۲..... ۴-۴. شهود و گواهان رستاخیز
- ۱۹۷..... بخش پنجم
- ۱۹۷..... ۵-۱. بندگی خدا برترین افتخار
- ۲۰۳..... بخش ششم
- ۲۰۵..... ۶-۱. استغفار در قرآن و احادیث

فهرست مطالب □ ۷

۲۰۸.....	۲-۶. پیامبر ﷺ و استغفار.....
۲۱۰.....	۳-۶. آثار معنوی و مادی استغفار.....
۲۱۳.....	بخش هفتم.....
۲۱۳.....	۱-۷. بازگشایی دری به سوی عفو خدا.....
۲۱۹.....	بخش هشتم.....
۲۱۹.....	۱-۸. با منت و رحمت مرا ببخش.....

مناجات دوم: مناجات ثبات کنذکان

۲۲۳.....	بخش اول.....
۲۲۳.....	۱-۱. نفس از دیدگاه قرآن.....
۲۲۵.....	۲-۱. نفس از دیدگاه سنت.....
۲۲۷.....	۳-۱. مراتب نفس.....
۲۳۰.....	۴-۱. شکایت از نفس اماره.....
۲۳۱.....	بخش دوم.....
۲۳۱.....	۱-۲. امراض روحی و جسمی.....
۲۴۳.....	بخش سوم.....
۲۴۹.....	بخش چهارم.....
۲۴۹.....	۱-۴. صفات نکوهیده انسان در قرآن.....
۲۵۱.....	۲-۴. کم ظرفیتی انسان.....
۲۶۱.....	بخش پنجم.....
۲۶۷.....	بخش ششم.....
۲۶۷.....	۱-۶. معنای غفلت.....
۲۶۷.....	۲-۶. غفلت در قرآن.....
۲۶۸.....	۳-۶. آثار غفلت در احادیث و ادعیه.....

۲۷۳.....	۴-۶. نتیجه غفلت.....
۲۷۴.....	۵-۶. برخی از عوامل غفلت.....
۲۹۰.....	۶-۶. راه رهایی از غفلت.....
۳۰۹.....	۷-۶. عبرت.....
۳۱۲.....	۸-۶. نمونه‌های عبرت.....
۳۲۹.....	بخش هفتم.....
۳۲۹.....	۱-۷. تأخیر توبه.....
۳۳۳.....	۲-۷. چاره رهایی از گناه.....
۳۶۵.....	بخش هشتم.....
۳۶۵.....	۱-۸. دشمنی شیطان از دیدگاه آیات.....
۳۶۶.....	۲-۸. دشمنی شیطان از دیدگاه روایات.....
۳۶۹.....	۳-۸. نقشه‌های شیطان.....
۳۷۰.....	۴-۸. وسوسه چیست؟.....
۳۷۵.....	۵-۸. دعوت به گناه.....
۳۷۶.....	۶-۸. تزیین کارهای ناپسند.....
۳۷۹.....	۷-۸. تسویل.....
۳۸۳.....	بخش نهم.....
۳۸۳.....	۱-۹. مذمت حبّ دنیا.....
۳۸۹.....	بخش دهم.....
۳۹۰.....	۱-۱۰. مفهوم زُلفی.....
۳۹۱.....	۲-۱۰. واژه زُلفی در نهج البلاغه.....
۳۹۳.....	بخش یازدهم.....
۳۹۳.....	۱-۱۱. معنای قلب در لغت و قرآن.....
۳۹۵.....	۲-۱۱. حالات قلب در قرآن.....
۳۹۸.....	۳-۱۱. حالات قلب در نهج البلاغه.....

۴۰۱.....	۱۱-۴. گناه و قساوت قلب
۴۰۷.....	بخش دوازدهم
۴۰۸.....	۱۲-۱. وسوس شیطانی و نابینایی دل
۴۱۰.....	۱۲-۲. کوردلان از نظر قرآن
۴۱۸.....	۱۲-۳. عوامل مرگ قلب
۴۲۰.....	۱۲-۴. قلب سلیم
۴۲۷.....	بخش سیزدهم
۴۲۷.....	۱۳-۱. قلب گرفتار زنگار
۴۳۱.....	بخش چهاردهم
۴۳۱.....	۱۴-۱. گریه از دیدگاه قرآن
۴۳۲.....	۱۴-۲. گریه از دیدگاه روایات
۴۳۹.....	بخش پانزدهم
۴۳۹.....	۱۵-۱. چشم دنباله روی هوی
۴۴۷.....	بخش شانزدهم
۴۴۷.....	۱۶-۱. امدادهای غیبی
۴۴۸.....	۱۶-۲. نمونه‌ای از امداد غیبی
۴۵۱.....	۱۶-۳. انواع امدادهای غیبی
۴۵۹.....	بخش هفدهم
۴۵۹.....	۱۷-۱. همه چیز به اراده اوست
۴۶۵.....	فهرست منابع
۴۸۹.....	نمایه‌ها

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء (۱۷). آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ - سوره مبارکه یس (۳۶) - آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة (۵۶). آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم، سوره مبارکه الکهف ۱۸. آیه شریفه ۵۴). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را

در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (قرآن کریم. سوره مبارکه الحجر (۱۵). آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. **دانشگاه امام صادق علیه‌السلام** به عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تاسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژی و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شِقَا جُرْفٍ هَارٍ - قرآن کریم. سوره مبارکه التوبه (۹) بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا ﷺ پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دادند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشته شوند؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الفرقان (۲۵). آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ همزمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجرا گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ بویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راه‌نمایی‌های ارائه شده از معصومین علیهم‌السلام، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق،

سخن ناشر □ ۱۳

ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الاسراء (۱۷). بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

وَللهُ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

«بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين»

کلیات

۱. هدف آفرینش انسان

یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که برای هر انسانی مطرح است، این است که برای چه آفریده شدیم؟

هدف آفرینش انسان‌ها و آمدن به این جهان چیست؟

آیا خدا کمبودی داشت که ما را برای پاسخ‌گویی به آن آفریده است؟

آیا نیازی داشته که ما را برای پاسخ‌گویی به آن آفریده است؟

با این که می‌دانیم وجود او از هر جهت کامل و غنی بالذات است و ما نیازمند به او هستیم. چنان که در مواردی از قرآن این مطلب به طور صریح و روشن آمده است که برای نمونه چند آیه از نظرتان می‌گذرد:

۱. ای مردم! شما (همگی) نیازمندان به خدا هستید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است. اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق جدیدی می‌آورد و این برای خداوند غیر ممکن (و مشکل) نیست.^۱

۱. یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید * ان یسأ یذهبکم و یأت بخلق جدید * و ما ذلک علی الله بعزیز (فاطر ۱۵-۱۷).

۲. پروردگار تو بی‌نیاز و مهربان است. اگر بخواهد شما را می‌برد و به جای شما هر کس را بخواهد، جانشین می‌سازد. همان گونه که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد.^۱

۳. ... خداوند بی‌نیاز است و همه شما نیازمندید و هرگاه سرپیچی کنید، گروه دیگری را به جای شما می‌آورد که مانند شما نخواهند بود.^۲

خلاصه این که بی‌تردید هر انسان عاقل و حکیمی که کاری انجام می‌دهد، هدفی برای آن در نظر گرفته است و از آنجا که خداوند از همه عالم‌تر و حکیم‌تر است و با هیچ کس قابل مقایسه نیست، این سؤال پیش می‌آید که چرا انسان را آفرید؟ با این که از نمونه آیتی که گذشت به خوبی روشن شد که نیازی به خلقت انسان ندارد.

در آیات قرآن تعبیرهای مختلفی درباره هدف آفرینش انسان شده است که چند آیه را یادآور می‌شویم.

خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: «او کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش کند کدامین نفر بهتر عمل می‌کنید».^۳

در این آیه مسئله امتحان و آزمایش انسان‌ها از نظر «حسن عمل» به عنوان یک هدف معرفی شده است.

در آیه دیگری می‌خوانیم:

۱. و ربك الغنى ذوالرحمة ان يشأ يذهبكم و يستخلف من بعدكم ما يشاء كما انشاءكم من ذرية قوم آخرين (انعام ۱۳۳).

۲. و الله الغنى و انتم الفقراء و ان تتولوا يستبدل قوماً غيركم ثم لا يكونوا امثالكم (محمد ۳۸). آیات دیگری که خدا بی‌نیاز است در قرآن آمده است؛ مانند آل عمران ۹۷، یونس ۶۸، ابراهیم ۸، حج ۶۴، نمل ۴۰، عنکبوت ۶، حدید ۲۴، ممتحنه ۶ و ...

۳. الذى خلق الموت و الحیاة لیبلوکم ایکم احسن عملاً ... (ملک ۲).

«خداوند کسی است که هفت آسمان را آفریده و از زمین نیز مانند آن خلق کرده است. فرمان او در میان آنها نازل می‌شود تا بدانید خداوند بر همه چیز توانا است و علم او به همه موجودات احاطه دارد».^۱

در این کریمه علم و آگاهی از قدرت و علم خداوند به عنوان هدفی برای آفرینش آسمان‌ها و زمین (و آنچه در آنها است) ذکر شده است. در یک جا آمده است: رحمت الهی هدف اصلی آفرینش انسان است؛ آنجا که می‌فرماید:

«اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را «امت واحده» (و بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می‌داد، ولی آنها همواره مختلفند، مگر آنچه پروردگارت رحم کند و برای همین (رحمت) آنها را آفریده است...».^۲

از آیات مورد بحث به این نتیجه می‌رسیم که خدای متعال از خلقت و آفرینش انسان هدفی داشته است که به طور گذرا به برخی از آن اهداف اشاره شد. اینک توجه شما را به آیه دیگری که در نهایت اختصار و فشرده‌گی است و پرده از روی حقیقتی که همه خواهان آگاهی از آن هستند، برمی‌دارد و ما را در برابر هدفی بزرگ قرار می‌دهد، جلب می‌کنم و آن هدف عبودیت و بندگی خدای متعال است. هدفی که به خود مخلوقات برمی‌گردد و مایه کمال خود آنهاست؛ آنجا که می‌فرماید:

«من جن و انس را نیافریدم، جز برای این که عبادتم کنند».^۳ (و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

۱. الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدير و ان الله قد احاط بكل شیء علماً (طلاق ۱۲)

۲. و لو شاء ربک لجعل الناس امه واحده و لا یزالون مختلفین * الا من رحم ربک و لذلك خلقهم... (هود ۱۱۸-۱۱۹)

۳. و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (ذاریات ۵۶)

این آیه تنها روی مسئله عبودیت و بندگی تکیه می‌کند و به صراحت تمام آن را به عنوان هدف نهایی آفرینش جن و انس معرفی می‌کند.
ملای رومی می‌گوید:

ما خلقت الجن و الانس این بخوان جز عبادت نیست مقصود از جهان^۱

تذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که خدای متعال نیازی به عبادت ما ندارد؛ چرا که ایمان و کفر، عبادت و معصیت مردم نه به خدا سود می‌رساند نه زیان؛ چنان که می‌فرماید:

«... هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر گردد...»^۲

و نیز می‌فرماید:

«موسی (به بنی‌اسرائیل) گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید (به خدا زبانی نمی‌رسد)؛ چرا که خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است.»^۳

همان گونه که درباره رفتن به حج که یکی از عبادات است، می‌فرماید:

«... برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه «او» کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هر کس کفر بورزد (و حج را ترک کند به خود زیان رسانیده) خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.»^۴

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در نهج البلاغه این نکته را یادآور می‌شود. آنجا که یکی از اصحاب او به نام (همام) که مردی عابد و پرهیزکار بود، به آن حضرت عرض کرد:

۱. مولوی، جلال‌الدین، مثنوی معنوی، تهران، چاپخانه آینده، نشر طلوع، ج ۶، ۱۳۷۸ دفتر سوم، ص ۴۵۷.

۲. ... فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر... (کهف ۲۹)

۳. و قال موسى ان تكفروا انتم و من فى الارض جميعاً فان الله لغنى حميد (ابراهيم ۸)

۴. ... والله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً و من كفر فان الله غنى عن العالمين (آل عمران ۹۷)

ای امیرمؤمنان! پرهیزکاران را برایم آنچنان توصیف کن که گویا آنان را با چشم می‌نگرم! اما امام علیه السلام در پاسخش درنگ کرد؛ آن‌گاه فرمود: «ای همام از خدا بترس و نیکی کن که خداوند با کسانی است که تقوی پیشه کنند و با کسانی که نیکوکارند».^۱

ولی همام به این مقدار قانع نشد (و در این باره اصرار ورزید) تا این که امام تصمیم گرفت صفات متقین را به طور مشروح برایش بازگو کند. پس از آن خدای را ستایش و ثنا فرمود و بر پیامبرش درود فرستاد. سپس فرمود:

«اما بعد: خداوند سبحان مخلوق را آفرید در حالی که از اطاعتشان بی‌نیاز و از معصیت آنان ایمن بود؛ زیرا نه نافرمانی گناهکاران به او زیان می‌رساند و نه اطاعت مطیعان به او نفعی می‌بخشد...»^۲

در جای دیگر از آن حضرت می‌خوانیم:

«آفریدگان را به خاطر رفع وحشت تنهایی نیافریدی و برای منفعت خود آنها را به کار و نداشتی. هیچ کس از دست قدرت تو نمی‌تواند فرار کند و هر کس را بگیری از حیطة قدرت بیرون نرود؛ معصیت گناهکاران از عظمت نمی‌کاهد و اطاعت مطیعان بر ملکیت نمی‌افزاید».^۳

و نیز می‌فرماید:

۱. ان الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون (نحل ۱۲۸)
۲. ... اما بعد فان الله سبحانه و تعالى خلق الخلق حين خلقهم غنيا عن طاعتهم، انما من معصيتهم، لانه لا تضره معصية من عصاه و لا تنفعه طاعة من اطاعة... الدكتور صبحي الصالح، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۷ ه.ق، خطبه ۱۹۳، ص ۳۰۳.
۳. ... لم تخلق الخلق لوحشة و لا استعملتهم لمنفعة و لا يسبقك من طلبت و لا يفلتك من أخذت و لا ينقص سلطانك من عصاك و لا يزيد في ملكك من اطاعك... نهج البلاغه، همان، خطبه ۱۰۹.

«موجودات را آفرید اما نه برای تقویت فرمانروایی و قدرتش و نه برای بیم از حوادث آینده، نه برای آن که در مبارزه با همتای خود یاریش دهند و نه برای این که از فخر و مباحثات شریکان و مبارزان او جلوگیری کنند، بلکه همه مخلوق او هستند و در سایه پرورش او و بندگانی خاضع در برابر او...»^۱

خلاصه این که خدای متعال نیازی به عبادت و تسبیح و تقدیس ما ندارد بلکه سود آن به خود ما برمی گردد.

من نگردم پاک از تسبیحشان پاک هم ایشان شوند و در فشان^۲

سعدی می گوید:

از همگان بی نیاز و بر همه مشفق	از همه عالم نهان و بر همه پیدای
پرتو نور سرادقات جلالش	از عظمت ماورای فکرت دانا
خود نه زبان درد هان عارف مدهوش	حمد و ثنا می کند که موی بر اعضا
هر که نداند سپاس نعمت امروز	حیف خورد بر نصیب رحمت فردا
بار خدایا مهیمنی و مدبیر	وز همه عیبی مقدسی و مبرا
ما نتوانیم حق حمد تو گفتن	با همه کروبیان عالم بالا
سعدی از آنجا که فهم اوست سخن گفت	ورنه کمال تو وهم کی رسد آنجا ^۳

با این همه عباداتی که انجام می دهیم، باز هم مقصر هستیم؛ همان گونه که

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«خدای تبارک و تعالی می فرماید: آنها که برای ثواب من عملی انجام می دهند نباید به اعمالشان تکیه کنند؛ زیرا اگر در تمام عمر

۱. ... لم یخلق ما خلقه لتشدید سلطان و لا تخوف من عواقب زمان و لا استعانة علی ند مشاور و لا شریک مکائر و لا ضد منافر و لکن خلائق مربوبون و عباد داخرون... همان، خطبه ۶۵.

۲. مثنوی معنوی، دفتر دوم، ص ۲۴۳.

۳. کلیات سعدی، مقدمه و تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات، کتاب فروشی موسی اعلمی، بازار بین الحرمین، بی تا، ص ۵۱۸.

خویش کوشش کنند و در راه عبادتم خود را به زحمت اندازند، باز هم مقصرند و در عبادت خود به کنه بندگیم نرسند؛ نسبت به آنچه از من طلب می‌کنند که کرامت و نعمت در بهشت و رسیدن به درجات عالی در جوار من است ولی باید تنها به رحمتم اعتماد کنند و به فضلم امیدوار باشند و به حسن ظن من اطمینان کنند؛ آن گاه است که رحمتم ایشان را دریابد و رضوانم به آنها برسد و آمرزشم بر آنها لباس عفو و گذشت بپوشاند؛ زیرا من خدای رحمان و رحیمم و به این نام نامیده شده‌ام...»^۱

در حدیثی آمده است که رسول خدا ﷺ به خدا عرض می‌کند:
«آن گونه که حق تو است، تو را عبادت نکردیم»^۲

بنده همان به که زتقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که به جای آورد^۳

۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال الله تبارك وتعالى لا يتكلم العاملون على أعمالهم التي يعملونها لثوابي، فإنهم لو اجتهدوا واتعبوا أنفسهم - أعمارهم - في عبادتي كانوا مقصرين غير بالغين في عبادتهم كنه عبادتي فيما يطلبون عندي من كرامتي و النعيم في جناتي و رفيع الدرجات العلى في جوارى و لكن برحمتي فليثقوا و فضلى فليرجوا و الى حسن الظن بي فليطمئنوا فان رحمتى عند ذلك تدرکهم و منى يبلغهم رضوانى و مغفرتى و تلبسهم عفوئى فانى انا الله الرحمن الرحيم و بذلك سميت... الاصول من الكافى، الكليني، ابى جعفر محمد بن يعقوب، تهران، انتشارات دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ هـ.ش، ط ۴، ج ۲، كتاب الايمان و الكفر، حسن الظن بالله عزوجل، ص ۷۱، حديث ۱.

۲. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «ما عبدناك حق معرفتك»، مجلسى، مولى محمدباقر، مرآة العقول فى شرح اخبار الرسول، شرح كتاب الكافى للكلينى، تهران، منشورات دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۰۴ هـ.ق، ط ۲، ج ۸، كتاب الايمان و الكفر، ص ۴۶. احاديث ديگرى نيز به همين مضمون آمده است كه انسان هميشه بايد خود را نسبت به عباداتى كه انجام مى‌دهد، مقصر بداند كه به همان منبع ص ۴۵-۴۶ رجوع شود.

۳. كليات سعدى، همان، ص ۷۲.

۲. مفهوم عبادت

اکنون که به طور مختصر روشن شد که همه ما برای عبادت پروردگار آفریده شده‌ایم؛ با این که خدا نیازی به عبادت ما ندارد، اما این سؤال پیش می‌آید که حقیقت عبادت چیست؟ عبادت به چه معنی است و مصادیق آن کدامند؟

از آنجا که به طور مشروح و گسترده درصدد بیان این مطلب نیستیم که خود نیاز به فرصتی دیگر دارد، تنها واژه عبد را معنی کرده و آن گاه به سراغ یکی از مصادیق آن که مورد بحث است، می‌رویم.

راغب در «مفردات» می‌نویسد: «عبودیت اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است».^۱ بنابراین عبودیت نهایت اوج تکامل یک انسان و قرب به اوست. مرحوم استاد شهید مطهری درباره ریشه‌ی لغت عبادت می‌نویسد: «در زبان عربی وقتی که چیزی رام، نرم، مطیع شود؛ به طوری که هیچ گونه عصیان و تعدی و مقاومتی نداشته باشد، این حالت را تعبد می‌گویند».

در گذشته راه‌ها و جاده‌ها مانند امروز به وسیله ماشین‌های راه‌سازی ساخته نمی‌شد، بلکه جاده‌ها با راه رفتن به وجود می‌آمد. به همین جهت در روزهای اول طوری بود که سنگ و خارها مانع رفت و آمد بودند. ولی در اثر عبور و مرور، کم‌کم سنگ‌ریزه‌ها خرد و نرم می‌شدند و مقاومتی در برابر عابری‌نداشتند. پای انسان‌ها و حیوان‌ها را آزار نمی‌دادند و رام و آرام بودند؛ در حالی که راهی که بی‌راهه بود، سنگ‌ها زیر پاها ناآرام و عاصی بودند. به این طریق، یعنی راهی که نرم و رام شده بود، می‌گفتند: «طریق مُعَبَّد».^۲

۱. «العبودية اظهار التذلل»، الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط محمد سید کبلائی، منشورات الکتب المرتضویة، تهران، بین الحرمین، ص ۳۱۹. شیخ بهائی نیز در تفسیر «ایاک نعبد و ایاک نستعین» می‌نویسد: «العبادة اعلى مراتب الخضوع و التذلل». مفتاح الفلاح، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت لبنان، سال ۱۳۲۴ ه.ق، ص ۲۸۷.

۲. «و يقال طریق مُعَبَّد ای مدللٌ بالوطء...»، مفردات راغب، همان.

انسان عبد و مُعَبَّد یعنی کسی که رام و تسلیم و مطیع است و هیچ گونه عصیان‌ی ندارد. این گونه بودن یعنی مطیع و رام بودن، یک ذره عاصی نبودن، حالتی است که انسان باید فقط نسبت به خداوند داشته باشد. عبد خدا بودن یعنی این حالت را نسبت به ذات حق و فرمان‌های ذات حق داشتن...^۱

۳. رابطه دعا و عبادت

یکی از مصادیق بارز و روشن عبادت، دعاست که در این باره توجه خوانندگان گرامی را به چند حدیث جلب می‌کنم.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«دعا عبادت است».^۲

۱. شهید مطهری، آشنایی با قرآن (سوره‌های حمد و بقره)، قم، انتشارات صدرا، ص ۳۸-۳۹.
 ۲. ... الدعاء هو العباده، الطبرسی، ابوعلی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان، فی تفسیر القرآن بیروت لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ه. ق. ۱۳۳۹ ه. ش، ج ۸، ص ۵۲۹، الکاشانی، مولی محسن، المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، انتشارات اسلامی، بی تا، ج ۵، ص ۲، ج ۲، ص ۲۸۲، الباب الثانی فی آداب الدعاء...، النوری، الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تهران، منشورات المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۳ ه. ق، ج ۱، ص ۳۵۹-۳۶۰. الطبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، جوامع الجامع فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق سید محمدعلی قاضی طباطبائی، تبریز، مطبعه مصباحی (افست) ۱۳۷۹ ه. ق، ص ۴۲۰. الراوندی قطب الدین سعید بن هبه الله سلوه الحزین المعروف به الدعوات تحقیق و منشورات قم، مؤسسه الامام المهدي، مطبعه امير قم، ۱۴۰۷ ه. ق، ط ۱، ص ۱۹. با این تفاوت که در اینجا آمده است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «افضل عبادته امتی بعد قرائته القرآن الدعاء ثم قرأ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ادعونی استجب لکم ... الا ترى ان الدعاء هو العباده ...» زمخشری می‌نویسد: «و الدعاء بمعنی العباده کثیر فی القرآن». در قرآن دعا به معنای عبادت زیاد است؛ بعد می‌گوید: «ادعونی» یعنی اعبدونی، مرا بخوانید یعنی عبادتم کنید. سپس حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «الدعاء هو العباده». دعا همان عبادت است. الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، الزمخشری، محمود بن عمر، الناشر دارالکتاب العربی، بیروت، لبنان، ج ۴، ص ۱۷۵. ابوالفداء الحافظ، عماد الدین اسماعیل بن کثیر القرشی الدمشقی، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، لبنان، دارالمعرفه ۱۳۸۸ ه. ق. ۱۹۶۹ م، ج ۴، ص ۸۵ ابن ماجه سنن ابن ماجه، محمد بن یزید، تصحیح محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، منشورات داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۸ ه. ق.

و در حدیث دیگری فرمود:

«بهترین عبادت دعا است».^۱

در حدیث دیگری از رسول اکرم ﷺ می‌خوانیم که فرمود:

«دعا مغز عبادت است».^۲

- ☞ ۱۳۵۹ ه.ق. ج ۲، ص ۱۲۵۸ کتاب الدعاء، الهندی، المتقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۳م، ۱۴۱۳ه.ق، ج ۲، ص ۶۲.
۱. «... افضل العبادۃ الدعاء»، المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، منشورات مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۹۰، ص ۳۰۲، الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، منشورات دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ه.ق، ط ۴، ج ۴ ص ۱۰۸۸، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء، باب ۳، باب استحباب - اختیار الدعاء علی غیره - حدیث ۱، العروسی، الحویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، قم، منشورات مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۳ ه.ق، ط ۲، ج ۶ ص ۵۲۸، حدیث ۷۹، الحسینی، البحرانی، السید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۳ ه.ق، ط ۲، ج ۴، ص ۱۰۱، الکاشاری، الفیض، الصافی فی تفسیر القرآن، منشورات المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۳ ه.ق، ط ۴، ج ۲، ص ۴۹۸، جوامع الجامع، همان. الفیض الکاشاری، المولی محمد محسن الاصفی فی تفسیر القرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ط ۱، ۱۴۲۰ه.ق ۱۳۷۸ ه.ش، ج ۲، ص ۱۱۰۴. افضل العبادۃ الدعاء، القمی المشهدی، الشیخ محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ط ۱، ۱۴۱۱ ه.ق ۱۹۹۱م، ج ۱۱، ص ۴۰۳، آلوسی به مناسبت آیه «ادعونی استجب لکم...» می‌نویسد: ... پس معنای قول خدای تبارک و تعالی که می‌فرماید: ... (یستکبرون عن عبادتی) یستکبرون عن دعائی یعنی کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند مقصود کسانی هستند که از دعای من تکبر می‌ورزند. «لأن الدعاء نوع من العبادۃ و من افضل انواعها» زیرا دعا نوعی از عبادت بلکه از برترین انواع عبادت است، آلوسی، البغدادی ابی الفضل السید محمود شهاب الدین، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق السید محمود شکر الالوسی، البغدادی، اداره الطباعه المنیریّه، دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، ج ۲۴، ص ۸۱.
۲. و قال النبی ﷺ الدعاء مخ العبادۃ، بحار الانوار، همان، ص ۳۰۰-۳۰۲، الحلی، احمد بن فهد، عدۃ الداعی و نجاح الساعی، بیروت، لبنان، دارالمرتضی، دارالکتاب الاسلامی، ص ۲۹. محجه البيضاء، همان، ص ۲۸۲. علامه طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، منشورات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه.ق، ج ۳، ج ۲، ص ۳۵، ذیل آیه ۱۸۶ سوره بقره. دعوات رواندی، همان، ص ۱۸. الترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی بن سوره، الجامع الصحیح و هو السنن الترمذی، تحقیق و تعلیق ابراهیم عطوه ☞

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه که می‌فرماید: «پروردگار شما گفته است که مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم، کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند»،^۱ حدیثی نقل می‌کند که از دعا تعبیر به عبادت بزرگ شده است که اینک از نظرتان می‌گذرد.

معاویه بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: جانم به قربانت! چه می‌فرمایی درباره دو نفر که هر دو وارد مسجد شدند؛ یکی نماز بیشتری به جا آورد و دیگری دعای بیشتری؛ کدام یک از این دو افضلند؟ فرمود هر دو خوبند.

دیگر بار عرض کردم می‌دانم هر دو خوبند ولی کدام یک افضل است؟

امام علیه السلام فرمود: آن کس که بیشتر دعا می‌کند، افضل است؛ مگر سخن خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «مرا بخوانید تا (دعای شما را اجابت کنم ...» سپس افزود دعا عبادت بزرگ است.^۲

مرحوم مجلسی این حدیث را این گونه نقل کرده است: «معاویه بن عمار گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم دو نفر در یک لحظه نماز را شروع می‌کنند. یکی

۱- عوض، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۴۵۶، الهندی، المتقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله ۱۳۹۹ ه.ق، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۶۷.

۱. «و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین» (مؤمن ۶۰).

۲. ... روی معاویه بن عمار قال: «قلت لابی عبدالله علیه السلام جعلنی الله فداک ما تقول فی رجلین دخلا المسجد جميعاً کان احدهم اکثر صلاة و الآخر دعاء فایهما افضل قال: کل حسن. قلت قد علمت و لکن ایهما افضل قال: اکثر هما دعاء اما تسمع قول الله تعالی ادعونی استجب لکم... و قال: هی العباده الکبری». مجمع البیان. همان. تفسیر نور، الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۸، تفسیر برهان، همان، کاشانی، مولی فتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، مقدمه و پاورقی سید ابوالحسن مرتضوی، تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات علمیه اسلامیة، ج ۸، ص ۱۵۹ به مناسبت آیه: ... ادعونی استجب لکم...

شروع به خواندن قرآن می‌کند و تلاوت قرآن او از دیگری بیشتر می‌شود و هر دو با یکدیگر نماز را تمام می‌کنند. کدامیک افضل است؟

فرمود هر دو فضیلت دارد و خوب است. گفتم می‌دانم که هر دو دارای فضیلت‌اند ولی کدام افضل است؟

فرمود: دعا؛ سپس آیه مورد بحث (مؤمن ۶۰) را تلاوت کرد و چندین بار فرمود: به خدا سوگند دعا عبادت است...»^۱

امام سجاده علیه السلام به حضور خدا عرضه می‌دارد:

«... پس دعای خود را عبادت شمرده‌ای و ترک آن را تکبر و

گردن کشی نامیده‌ای و بر ترک دعا به دوزخ با خوارگی و ذلت

تهدید کرده‌ای»^۲.

مرحوم کلینی در کافی می‌نویسد: «زراره از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که (در

تفسیر آیه مورد بحث) فرمود: مقصود از عبادت دعاست و بهترین عبادت دعاست.

زراره گوید: عرض کردم مقصود از «اوا» در این آیه چیست که خداوند

می‌فرماید: «... ابراهیم بردبار و مهربان بود»؟

فرمود: اوا یعنی بسیار دعا کننده به درگاه خداوند بود.^۳

۱. ... عن معاوية بن عمار قال: قلت لابي عبدالله عليه السلام رجلا ان افتتح الصلاة في ساعه واحدة، فتلا هذا من القرآن فكانت تلاوته اكثر من دعائه و دعا هذا فكان دعاؤه اكثر من تلاوته ثم انصرفا في ساعة واحدة، ايهما افضل؟ فقال: كل فيه فضل. كل حسن. قال: قلت قد علمت ان كلا حسن و ان كلا فيه فضل، فقال: الدعاء افضل اما سمعت قول الله تبارك و تعالی: «و قال ربكم...» هي و الله العباده، هي و الله العباده اليس هي العباده؟ هي و الله العباده، هي و الله العباده، اليس اشد هن؟ هي و الله اشد هن، هي و الله اشد هن، البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۱۰۱، بحار الانوار، همان، ص ۲۹۸ و ۲۹۲-۲۹۳. مستدرک الوسائل، همان، ص ۳۵۹.

۲. ... فسميت دعائك عبادة و تركه استكباراً توعدت على تركه دخول جهنم داخرين. صحيفه سجديه، دعای ۴۵، الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۷، ص ۳۶۲.

۳. عن زراره عن ابي جعفر عليه السلام قال: ان الله عزوجل يقول: «ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين». قال: هو الدعاء و افضل العبادة الدعاء قلت: «ان ابراهيم لاواه حلیم» (توبه ۱۱۴) قال الاواه

در روایت دیگری می‌خوانیم:

شخصی به نام حنان بن سدیر از پدرش نقل کرده است که گفت:
 «به امام باقر علیه السلام گفتم: کدام عبادت افضل است؟ فرمود: چیزی
 نزد خدا افضل از این نیست که از او تقاضا کنند و از آنچه نزد او
 هست، بخواهند و هیچ کس منفورتر نزد خداوند از کسانی که از
 عبادت او تکبر می‌ورزند و از آنچه نزد او هست درخواست
 نمی‌کنند نیست»^۱.

هو الدعاء. ص ۴۶۶، کتاب الدعاء باب فضل الدعاء و الحث علیه، حدیث ۱، در بحار الانوار همان، ص ۲۹۳، حدیث ۲۱ آمده است: عن زرارہ عن ابی جعفر علیہ السلام قال قلت: قوله «ان ابراهیم لاولاه حلیم» قال الاولاه الدعاء. مستدرک الوسائل، همان، ص ۳۶۰، السید علی خان ریاض السالکین، مؤسسہ آل البیت للطباعة و النشر، ۱۳۳۴ ه.ق، ص ۳۲. شیخ طوسی می‌نویسد: یستکبرون عن عبادتی ای عن دعائی بالخضوع لی، الطوسی ابی جعفر، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح احمد حبیب - قصیر العاملی، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۳ ه.ق، ج ۹، ص ۹۰. شبر السید عبدالله تفسیر القرآن الکریم، تحقیق الدكتور حامد حفنی داوود، قاهره، ط ۲، ۱۳۸۵ ه.ق ۱۹۶۶ م. منشورات قم، دارالهجره، ص ۴۴۵، می‌نویسد عن عبادتی دعائی. السیوطی، عبدالرحمن شیخ جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، منشورات مکتبه آیةالله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۵، ص ۳۵۵، سید بن طاووس، رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد، فلاح السائل، کتاب فروشی تهرانی، رجب ۱۳۲۸، ص ۲۷، تفسیر المیزان، همان. همچنین درباره فضیلت دعا و... رجوع شود به: النوری دمشقی، ابی زکریا یحیی بن شرف ریاض الصالحین، تحقیق عبدالله محمد الدرویش دمشق، مکتبه و مطبعه الشریحی ۱۴۱۷ ه.ق. ۱۹۹۷ م، ص ۵۶۱ باب فضل الدعاء الکفعمی، الشیخ بن هیم البلد الامین، الناشر مکتبه الصدوق تهرانی، ۱۳۸۳ ه.ق، چاپ افست مروی، ص ۶۰۴، فی آداب الدعاء و ص ۶۰۵ فی آداب الداعی و ص ۶۰۶ فی کیفیه الدعاء.

۱. ... عن حنان بن سدیر: عن ابيه قال: قلت لابي جعفر عليه السلام اي العبادة افضل؟ فقال ما من شيء افضل عند الله عزوجل من ان يسأل و يطلب مما عنده و ما احد ابغض الى الله عزوجل ممن يستكبر عن عبادته و لا يسأل ما عنده اصول کافی ج ۲ ص ۴۶۶، حدیث ۲، مجمع البیان، همان، محجه البیضاء، همان با تفاوت. هاشم معروف الحسینی، سیره الأئمه الاثنی عشر، بیروت، لبنان، دارالعلم ۱۳۹۸ ه.ق. ۱۹۷۸ م، ج ۲، ص ۲۲۷، سلوه الحزین المعروف به الدعوات الراوندی، ص ۱۷، الطبرسی رضی الدین، مکارم الاخلاق مقدمه و تعلیق محمد حسین اعلمی، منشورات مؤسسہ الاعلمی، بیروت، لبنان، ط ۶، ۱۳۹۲ ه.ق ۱۹۷۲ م، ص ۲۶۸. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۸، ص ۱۵۹.

امام صادق علیه السلام ضمن نامه‌ای که به شیعیانش نوشت، می‌فرماید: «زیاد دعا کنید؛ زیرا خدا کسانی از بندگان را دوست دارد که دعا می‌کنند و خدا به بندگان مؤمن خود وعده استجاب دعا داده است».^۱

در روایت دیگری از میسّر بن عبدالعزیز نقل شده است که گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای میسر؛ دعا کن و مگو کار گذشته است و آنچه مقدر شده همان خواهد شد (و دعا اثری ندارد). بی‌شک نزد خدا مقامی است که جز با دعا و تقاضا نمی‌توان به آن رسید و اگر بنده‌ای دهان خود را از دعا فرو بندد و چیزی تقاضا نکند، چیزی به او داده نخواهد شد. پس از خدا بخواه تا به تو عطا شود؛ چرا که هر دری را بکوبید و اصرار کنید، سرانجام گشوده خواهد شد.^۲ ملای رومی می‌گوید:

سایه حق بر سر بنده بود	عاقبت جوینده یابنده بود
گفت پیغمبر که چون کوی دری	عاقبت زان در برون آید سری
چون نشینی بر سر کوی کسی	عاقبت بینی تو هم روی کسی
چون زجاهی می‌کنی هر روز خاک	عاقبت اندر رسی در آب پاک ^۳

۱. «...اکثروا من الدعاء فان الله يحب من عباده الذين يدعونه و قد وعد عباده المؤمنين الاستجابة»، الحرائی، ابو محمد، الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ه.ق، ط ۵، ص ۲۳۱.

۲. ... عن میسّر بن عبد العزیز عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «یا میسر ادع و لا تقل ان الامر قد فرغ منه ان عندالله عزوجل منزلة لا تنال الا بمسألة، و لو ان عبدا سلّ فاه و لم یسأل لم یعط شیئا فسل تعط، یا میسّر انه لیس من باب تفرع الا یوشک ان یفتح لصاحبه»، اصول کافی، همان، حدیث ۳، محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۲۸۳، ریاض السالکین، ص ۳۲، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۹۱.

۳. مثنوی معنوی، دفتر سوم، ص ۵۳۳.

کارل می نویسد: «...آنچه را که امروز می دانیم، این است که نیایش به راستی آثار بزرگ واقعی دارد، هر چند که شگفت نماید، بایستی این حقیقت را بپذیریم که هر کس بجوید، می یابد و چون دری را بکوبند، آن را می گشایند»^۱.
 بنابراین تا دعا نکنیم و از خدا نخواهیم، چیزی داده نخواهد شد و بدون تضرع و زاری بر مشکلات فائق نخواهیم گشت.

آن خروشاننده بنوشد نعمتم	چون بگریانم بجوشد رحمتم
چونش کردم بسته دل بگشایم	گر بخواهم داد خود بنمایم
چون گریست از بحر رحمت موج خاست	رحمتم موقوف آن خوش گریه هاست
تا نگرید طفل کی جوشد لبن ^۲	تا نگرید ابر، کی خندد چمن
بحر بخشایش نمی آید به جوش	تا نگرید کودک حلوا فروش
کام خود موقوف زاری دان نخست	ای برادر طفل، طفل چشم توست
بی تضرع کامیابی مشکل است ^۳	کام تو موقوف زاری دل است

۱. دکتر الکسیس کارل، نیایش، (به ضمیمه راه و رسم زندگی)، ترجمه پرویز دبیری، اصفهان، چاپخانه فردوسی، چاپ چهاردهم، سال ۱۳۵۸، ص ۱۴.

۲. مثنوی معنوی، تصحیح عبدالرحیم نصیرآبادی زنجانی، انتشارات اسلامیة سال ۱۳۷۸ دفتر دوم ص ۱۲۰ در صفحه ۴۴۴ دفتر پنجم همین چاپ آمده است:

تا نگرید طفل کی نوشد لبن	تا نگرید ابر، کی خندد چمن
	در مثنوی انتشارات طلوع آمده است:
تا نگرید طفل کی جوشد لبن	تا نگرید ابر، کی خندد چمن
که بگیریم تا رسد دایه شفیق	طفل یک روزه همی داند طریق
کم دهد بی گریه شیر او رایگان	تو نمی دانی که دایه دایگان
تا بریزد شیر فضل کردگار	گفت فلیبکوا کثیرا گوش دار
کم خور آن نان را که نان آب تو برد	چشم گریان بایدت چون طفل خرد

دفتر پنجم، ص ۷۱۰-۷۱۱.

۳. مثنوی معنوی، انتشارات اسلامیة، ص ۱۲۲، دفتر دوم.

۴. دعا سیره انبیاء

گذشته از این که قرآن شریف و روایات پیشوایان معصوم (علیهم السلام) مردم را به دعا دعوت کرده‌اند و به آنان آموخته‌اند که مسلمانان و پیروان قرآن باید حوائج، مقاصد و حل مشکلات خود را به پیشگاه خدا عرضه کنند، خود پیغمبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز برای حل مشکلات و گرفتاری‌های خویش به سوی خدا دست نیاز دراز می‌کردند. از قرآن کریم به طور صریح استفاده می‌شود که از دیدگاه پیامبران سلف نیز دعا یک امر حتمی بوده است و علاوه بر این که مردم را به این امر مهم تشویق و ترغیب می‌کردند، خودشان نیز در پیشگاه باری تعالی دعا می‌کردند که بعضی از آن دعاها را قرآن نقل می‌کند.

هنگامی که زکریا از نداشتن فرزند سخت ناراحت و غمناک بود، رو به درگاه خداوند آورد؛ آن‌گاه در خلوت‌گاه و آنجا که صدایش را دیگری نمی‌شنید، گفت:

«پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نمی‌شدم و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آئین تو را نگاه ندارند) و همسرم نازا بوده است؛ تو به قدرتت جانشینی به من ببخش»^۱.

زکریا پس از این دعا به آرزوی خود رسید و دعای او مستجاب شد؛ آنجا که قرآن می‌فرماید:

ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است؛ پسری که همانم پیش از این نبوده است...^۲

۱. ... اذ نادى ربه نداء خفياً * قال رب انى و هن العظم منى و اشتعل الرأس شیباً و لم اكن بدعائك رب شقياً * و انى خفت الموالى من ورائى و كانت امرأتى عاقراً فهب لى من لدنك ولياً * (مریم ۲-۵).
 ۲. یا زکریا انا نبشرك بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمياً * (مریم ۷) و سوره آل عمران آیات (۳۸ - ۳۹) و سوره انبیاء آیه (۸۹-۹۰).

آن گاه که حضرت موسی از جانب خدای متعال مأمور می شود که نزد فرعون برود و او را به دین حق دعوت کند. قرآن می فرماید:

«برو به سوی فرعون که او طغیان کرده است. عرض کرد: پروردگارا! سینه مرا گشاده دار؛ کار را بر من آسان گردان و گره از زبانم بگشا، تا سخنان مرا بفهمند».^۱

از آنجا که این راه مشکلات فراوانی دارد که جز به لطف خدا گشوده نمی شود، موسی بن عمران از خدا تقاضا کرد که کارها را بر او آسان گرداند و مشکلات را از سر راهش بردارد.

ابراهیم خلیل الرحمن نیز وقتی که هاجر و اسماعیل را به سرزمین بی آب و گیاه مکه آورد و در آنجا گذاشت، دعاها و درخواست هایی از خدای متعال کرد؛ از جمله دعاهایش این بود:

«پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه ای که حرم تو است، ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند؛ تو قلب های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از انواع میوه ها (ثمرات مادی و معنوی) به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند».^۲

و در آخر یکی از دعاها و درخواست ها می گوید:

«پروردگارا! مرا بر پاکنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز چنین کن. پروردگارا! دعای (ما را) بپذیر».^۳

۱. اذهب الی فرعون انه طغی * قال رب اشرح لی صدری * و یسر لی امری * واحلل عقدة من لسانی * یفقهوا قولی * (طه ۲۴-۲۸).

۲. ربنا انی اسكنت من ذریتی بواد غیر ذی ذرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوة فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم و ارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون * (ابراهیم ۳۷).

۳. رب اجعلنی مقیم الصلاة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء * (ابراهیم ۴۰).

بنابراین پیامبران خدا و پیشوایان دین هم مشکلات و خواسته‌های خود را به پیشگاه خدا عرضه می‌کردند و دعا می‌کردند و از او اجابت می‌خواستند. چون خودش امر به دعا کرده و خودش نیز ضامن اجابت است.

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌نویسد:

«... بدان همان کسی که گنج‌های آسمان‌ها و زمین را در اختیار دارد، به تو اجازه دعا و درخواست را داده است و اجابت آن را تضمین نموده است. به تو امر کرده که از او بخواهی تا به تو عطا کند و از او درخواست رحمت نمایی، تا رحمتش را بر تو فرو فرستد...»^۱

خدای متعال اگر به کسی توفیق دعا کردن داد، او را از اجابت محروم نمی‌گرداند؛ چنان که در موردی دیگر در نهج‌البلاغه فرمود:

«کسی که توفیق چهار چیز پیدا کند، از چهار چیز محروم نخواهد شد. کسی که توفیق دعا بیابد، از اجابت محروم نمی‌گردد؛ کسی که توفیق توبه پیدا کند، از قبول محروم نمی‌شود، کسی که توفیق استغفار بیابد، از آمرزش محروم نمی‌گردد و کسی که توفیق شکرگزاری پیدا کند، از فزونی روزی محروم نخواهد شد.»^۲

۱. ... و اعلم ان الذی بیده خزائن السموات و الارض قد اذن لك فی الدعاء و تكفل لك بالاجابة و امرک ان تسأله ليعطیک و تسترحمه ليرحمک، نهج‌البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱، ص ۳۹۸، این مطلب در ضمن دعاهاى ائمه عليهم السلام نیز آمده است. در دعای کمیل می‌خوانیم: ... امرتهم بدعائك و ضمنت لهم الاجابه، در اعمال روز مباهله نیز دوبار آمده است: «اللهم انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى». در اعمال مسجد بزرگ کوفه آمده است: «اللهم انك امرت بالدعاء و تكفلت بالاجابة و انا ادعوك كما امرتنى فصل على محمد و آل محمد و استجب لى كما وعدتنى يا كريم»، مفاتيح الجنان.

۲. و قال عليه السلام: «من اعطى اربعالم. يحرم اربعاً: من اعطى الدعاء لم يحرم الاجابه و من اعطى التوبه لم يحرم القبول و من اعطى الاستغفار لم يحرم المغفره و من اعطى الشكر لم يحرم الزيادة»، نهج‌البلاغه، همان، حکمت ۱۳۵. در حدیثی آمده است که خدای متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فمنك الدعاء و على الاجابه» دعا از تو و اجابت بر عهده من است. الحافظ عماد الدین، ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر القرشی الدمشقی، تفسیر القرآن العظیم، الناشر، دارالمعرفه، بیروت، لبنان، ۱۳۸۸ هـ. ق. ۱۹۶۹ م، ج ۴، ص ۸۵.

در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که انس بن مالک می‌گوید آن حضرت فرمود:

«در دعا برای کسی باز نشد مگر این که خدا برای او دری از اجابت باز می‌کند...»^۱

خدایی که به هر کس که از او سؤال کند یا نکند، می‌بخشد؛ چگونه انسان را امر به دعا می‌کند ولی دعایش را اجابت نمی‌کند و این همان است که شخصی به نام «ذکوان» خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رسید، عرض کرد: «فدایت شوم؛ این ماه رجب است؛ دعایی به من تعلیم کن که حق تعالی مرا به آن نفع بخشد. حضرت فرمود: در هر روز از ماه رجب در صبح و شام و بعد از نمازهای شب و روز این دعا را بخوان:

يا من ارجوه لكل خير و آمن سخطه عند كل شر يا من يعطى
الكثير بالقليل يا من يعطى من سأله يا من يعطى من لم يسئله و
من لم يعرفه تحننا منه و رحمه ...^۲

خلاصه این که یکی از مصادیق عبادت دعا است و اگر دعا نکنیم، خدا ارزشی برای ما قائل نیست که قرآن می‌فرماید:

«بگو پروردگار من برای شما ارزشی قائل نیست (اعتنا به شما نمی‌کند)، اگر دعای شما نباشد».^۳

۱. ... عن انس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «ما فتح لاحد باب دعاء الا فتح الله له فيه باب اجابه»... الطوسي، ابی جعفر، محمد بن الحسن الامالی، تحقیق مؤسسه البعثه، نشر دارالثقافه قم، ط ۱، ۱۴۱۴ه.ق، ص ۶ مجلس اول، حدیث ۵.

۲. علامه مجلسی، محمدباقر، زادالمعاد، مرکز نشر، تهران، انتشارات سعدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۸.

۳. «قل ما یعزواکم ربی لولا دعاؤکم...» (فرقان - ۷۷).

این همه گفتیم لیک اندر بسیج
بی عنایات حق و خاصان حق
بی عنایات خدا هیچیم هیچ
گر فلک باشد سیا هستش ورق
ای خدا ای فضل تو حاجت روا
با تو یاد هیچ کس نبود روا^۱

هیچ چیزی مانند دعا انسان را به خدا نزدیک نمی‌گرداند که امام صادق علیه السلام فرمود:

بر شما باد به دعا کردن (دعا را از دست ندهید) که وسیله‌ای که مانند دعا شما را به خدا نزدیک گرداند، ندارید.^۲

۵. چند نکته مهم درباره دعا

دعا عبادت است و عبادت همان دعا^۳ و چنان که گذشت، در قرآن و روایات اهمیت زیادی به دعا داده شده است. تا آنجا به این موضوع توجه شده که دعا از تلاوت قرآن افضل شمرده شده که در حدیثی آمده است: «از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا بسیار تلاوت قرآن کردن افضل است یا بسیار دعا نمودن؟ فرمود: بسیار دعا کردن افضل است. سپس آیه سوره فرقان را تلاوت کرد.^۴

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«دعا اسلحة مؤمن است»^۵.

و یا این که فرمود:

۱. مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۸۲-۸۳.

۲. علیکم بالدعاء فانکم لا تقریون بمثله... محجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۸۳، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹، شیخ مفید امالی مفید، مطبعة الحیدریه فی النجف، ط ۳، ص ۱۹، مجلس دوم، با تفاوت.

۳. (شهید) مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۴، ص ۶۸.

۴. ... عن الباقر علیه السلام انه سئل کثرة القرائه افضل او کثرة الدعاء؟ قال کثرة الدعاء افضل، الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۸۲.

۵. الدعاء سلاح المؤمن، اصول کافی، همان، ج ۲، ص ۴۶۸، حدیث ۱، ابن عبد ربه العقد الفرید، بیروت، لبنان، دار الكتاب العلمیه، ۱۴۰۷ ه. ق. ۱۹۸۷ م، ط ۳، ج ۳، ص ۱۷۱.

«دعا اسلحه مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است».^۱

و امام هشتم علیه‌السلام فرمود:

«بر شما باد به سلاح پیامبران، عرض کردند اسلحه پیامبران

چیست؟ فرمود: دعا»^۲

و امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود:

«دعا سپر مؤمن^۳ و کلید پیروزی و مفتاح رستگاری است».^۴

و امام صادق علیه‌السلام فرمود:

(اثر) دعا از نوک نیزه نافذتر است^۵ و درمان هر دردی است.^۶

و خلاصه این که خدای متعال فرموده است:

«هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو) من

نزدیکم؛ دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خوانند، پاسخ

۱. «الدعاء سلاح المؤمن و عمود الدين و نور السموات و الارض»، اصول کافی، همان، حدیث ۲، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۹۴، فلاح السائل، همان، ص ۲۸، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۹۴ و ۲۹۷.

۲. «علیکم بسلاح الانبیاء فقیل له و ما سلاح الانبیاء؟ فقال: الدعاء»، بحار الانوار، ج ۹، ص ۳۰۰، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۹۵، دعوات رواندی، همان، ص ۱۸، المهاجر، عبدالحمید، فاطمه الزهراء و الحضاره الاسلامیه، بیروت، لبنان، دارالکتاب و العتره، ط ۱، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹۹۳ م، ج ۱، ص ۶۳۲، احادیث فی الدعاء، کنز العمال، ج ۲، ص ۶۲، مغنیه، محمد حسین، مجربات الامامیه فی الشفاء بالقرآن و الدعاء، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ط ۱، ۱۴۱۷ ه. ق. ۱۹۹۶ م، ص ۵ (مقدمه) الطبرسی، مکارم الاخلاق، مقدمه و تعلیق محمد حسین اعلمی، منشورات مؤسسه الاعلمی، بیروت، لبنان، ط ۶، ۱۳۹۲ ه. ق. ۱۹۷۲ م، ص ۲۷۰.

۳. «الدعاء ترس المؤمن»، اصول کافی، همان، حدیث ۴، وسائل الشیعه، همان.

۴. «الدعاء مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح...» اصول کافی، همان، حدیث ۲، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۹۴.

۵. «ان الدعاء انفذ من السنان»، کافی، همان، ص ۴۶۹، حدیث ۶، وسائل ج ۴، ص ۱۰۹۴، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۹۵.

۶. ... «علیک بالدعاء فانه شفاء من کل داء»، اصول کافی، همان، باب ان الدعاء شفاء من کل داء، ص ۴۷۰، حدیث ۱.